

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از لاهوتی

فرستنده: جاوید

۲۲ فبروری ۲۰۱۸

[کجا بردی]

نکردی رحم و رقتی، خوب، تا بم را کجا بردی؟
تو روگرداندی و در چشم من تاریک شد دنیا
ز گیسوی تو یاد آرد دل و، چون کودکان بر من
ز حد بگذشت از دیدار تو، دیروز، خُرسندی
زند چون عشق در وی شعله، شهری را بسوزاند
به روی لوح دل نام ترا بنوشته بودم من
چه می خواهی زجانم، ای رَه آهن، زپیش من
گنه باشد ز جانان شیکوه پیش دیگران گفتن
ز دل آسایش و از دیده خوابم را کجا بردی؟
چه کردی بی مُرُوت، آفتابم را کجا بردی؟
هجوم آرد که: آن مشکین طَنابم را کجا بردی؟
کجا رقتی و عیش بی حسابم را کجا بردی؟
تو بی پروا دل پُر انقلابم را کجا بردی؟
سوادم می پُرد از سر، کتابم را کجا بردی؟
رفاهِ خاطرِ پُر اضطرابم را کجا بردی؟
رُوم، پس از خودش پرسم که: تا بم را کجا بردی؟

مسکو، ۱۹۴۰